



کودتای نافر جام در یمن

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین علی کورانی

داده شده است؛ هر چند ضرورت انتشار مجله به زبان‌های مختلف فارسی، عربی و انگلیسی به شکل تخصصی که به طور عمیق‌تری به مباحث مهدوی بپردازد، کاملاً احساس می‌شود. یمن منطقه‌ای کوهستانی است که در قدیم الایام این منطقه کشور مستقل و شناخته شده‌ای بوده است. در تاریخ، ذکری از یمن قدیم به میان آمده است. پایتخت یمن قدیم «سبأ» بوده و بلقیس ملکه سبأ بوده است. من مناطق مأرب و سبأ و آثار بلقیس را از نزدیک دیده‌ام. در قرون بعدی، رومیان، حبشه یا اتیوپی کنونی را مرکز مسیحیت در آفریقا قرار دادند. حبشی‌ها به مرور ایام چنان قدرتمند شدند که یمن را حدود هفتاد سال قبل از اسلام تحت سیطره خود درآوردند. در آن زمان شاهان یمن، تبابعه یا حمیریین بودند. بعد از گذشت سال‌ها سیف بن ذی یزن، معاصر عبدالمطلب که شخصیت عاقل و متفکری است، به دنبال باز پس‌گیری تاج و تخت یمن از دست حبشی‌ها می‌افتد.

در آن مقطع ایرانیان دولت دست‌نشانده‌ای در عراق به نام «مناذره» داشتند. حاکم آنجا نعمان بن منذر بود که سیف را به سراغ «کسری» در مدائن برد. وی پس از معرفی سیف به کسری گفت: سیف برای آزاد کردن کشورش با نیروهایی که در اختیار دارد از شما کمک می‌خواهد. کسری دو روز بعد گفت: کشور شما خیلی با ما فاصله دارد و منافع چندانی برای ما ندارد. در عین

اشاره:

خوانندگان گرامی موعود با نام و قلم محقق و نویسنده ارجمند، جناب آقای شیخ علی کورانی آشنا هستند. تسلط و احاطه ایشان بر منابع و مآخذ روایی مربوط به آخرالزمان، چندی پیش، حتی سفیر یمن را به دیدار و گفت‌وگوی با وی کشاند تا درباره تحولات اخیر یمن و ویژگی‌های یمنی و تطبیق آن با حرکت کنونی شیعیان در آن کشور - اگرچه برخلاف میل و خواست خود و دولت متبوعش - کسب اطلاع کند. پرونده یمن در موضوع سرزمین‌های درگیر واقعه شریف ظهور موجب بود تا به حضور ایشان برسیم و در خصوص نقش یمن و شخصیت‌های آن در عصر ظهور، صمیمانه به گفت‌وگو بنشینیم که حاصل آن تقدیم شما می‌شود. امید که مورد توجه واقع افتد.

● با تشکر از شما که وقت خود را باز هم در اختیار ما قرار دادید. لطفاً برای آغاز گفت‌وگو، تاریخچه یمن و نقش آن در حوادث صدر اسلام را بیان نموده، بفرمایید رویکرد متقابل آنان و اهل بیت (ع) نسبت به هم چگونه بوده است و ایشان نزد اهل بیت (ع) چه جایگاهی داشته‌اند؟

○ من هم از شما تشکر می‌کنم. خدا را شکر که توفیق استمرار انتشار این مجله مفید به نام امام زمان (ع) به شما

را به محضر آن حضرت فرستادند که ما می خواهیم با شما پیمان ببندیم. سنی ها الآن بر همین اساس می گویند ما ایرانیان را به زانو در آوردیم. آنان اسلام آوردند و شیعه شدند. اما به مرور زمان چنان دچار تغییر فرهنگی شده اند که فرزندان آنان مانند عبدالمجید زندانی در یمن وهابی اند. با این حال تعداد زیادی شیعه امامی و زیدی در بین آنان وجود دارد.

● جایگاه امیرالمؤمنین (ع) نزد یمنی ها چگونه است؟

○ امیرالمؤمنین (ع) سه بار به دستور رسول الله (ص) به یمن سفر کردند. الآن امیرالمؤمنین (ع) را همه اهل یمن - شیعه و غیر شیعه - آقای خود می دانند. شما به بازار قدیمی صنعا که می روید جایی وجود دارد که به آن «الحلقه» می گویند. این محل همان جایی است که امیرالمؤمنین (ع) نامه رسول الله (ص) را برای مردم یمن قرائت نموده اند. کمی جلوتر که می روید، مسجد علی بن ابی طالب (ع) است. این مسجد همان خانه ای است که حضرت (ع) در یمن که بودند در آنجا سکونت داشتند. باز جلوتر که بروید، مسجد جامع صنعاست که در آنجا قرآن به خط امیر المؤمنین (ع) وجود دارد. شکافی در کوه منسوب به آن حضرت است.

● چه شد که شیعیان یمن گرایش زیدی پیدا کردند؟

○ آنان در ابتدا به دست حضرت علی (ع) مسلمان شدند. سه سفر حضرت از این قرار بود که یک بار برای فتح و تبلیغ اسلام رفتند، یک بار به عنوان قاضی و یک بار هم برای برقراری صلح در یمن. ایشان در طول این سفرها فعالیت های تبلیغی زیادی انجام دادند؛ مثلاً آن حضرت مهم ترین فرمانده یمن را بخشیدند و نخعی ها را خودشان انتخاب کردند. به واسطه فعالیت ها و حضور زیاد آن حضرت در آنجا با مردم رابطه ای قوی برقرار کردند. افرادی مثل عقبه بن نافع که در فتوحات شرکت داشت از مبلغان حضرت شد. در طول سال های بعد وقتی سادات در جاهای مختلف تحت فشار قرار گرفتند، به یمن فرار می کردند. مردم یمن به آنان که آواره بودند، پناه دادند و بعد از مدتی سادات در یمن تشکیل حکومت دادند، تا زمانی که عبدالله سلال به طرف مصر حرکت کرد.

در یمن حکومتی جمهوری وجود داشت تا ۳۵ سال قبل که قیامی علیه زیدیان شد و علی عبدالله صالح به حکومت رسید. با آغاز حکومت او، درهای یمن برای وهابیان باز شد. در طول این مدت زیدی ها و سادات را زدند، مساجد و مدارس زیدیان را گرفتند و بستند. وضعیت را به جایی رسانده اند که «نهج البلاغه» جزو کتب ممنوع به شمار می آید. در مقابل الآن هزار مدرسه برای وهابیان ساخته شده است. القاعده و دیگر جریانات انحرافی وهابیان از این مدارس در آمده اند. آنان فرزندان

حال یک بقچه پول و جواهرات به او داد. سیف با خشم پول ها را پس داد و گفت: من پول دارم، نیرو می خواهم. کسری پس از مشورت با مشاورانش، زندانی ها را با او همراه کرد. شش کشتی نیرو از آبادان راهی عدن شدند. در طول مسیر دو کشتی با نیروهایش از بین رفت. سیف، نیروهای یمنی خود را هم جمع کرد و با ابرهه با هم رو به رو شدند. رئیس زندانی ها ابرهه را کشت و از آن زمان به بعد نیروهای یمن را «ایرانیان» تشکیل دادند و سیف و فرزندان او شاهان آن دیار شدند. عبدالمطلب که رابطه خویشاوندی دوری با سیف داشت برای تریک به او راهی یمن شد. سیف به عبدالمطلب گفت: یکی از فرزندان تو به نبوت خواهد رسید و سلام مرا به او برسان. حکومت یمن پس از این تاریخ، دست نشاندۀ ایران بود و مدیریت آن را ایرانیان و نسل زندانی تشکیل دادند. الآن در یمن هنوز بقایای آنان موجودند. مفتی معروف وهابی یمن به نام «عبدالمجید زندانی» از همین طایفه است. او و ابناء الفرس از نسل همان ها هستند.

در زمان رسول الله (ص) حکومت یمن به شکل ملوک الطوایفی و به دست قبایل بود. حکومت مرکزی در اختیار ایرانیان قرار داشت. کسری پس از دریافت نامه حضرت رسول (ص) عصبانی شد و گفت: او کیست که نامش را پیش از نام من نوشته است؟ و با عصبانیت نامه ایشان (ص) را پاره کرد. او تنها کسی بود که نامه رسول خدا (ص) را پاره کرد و ایشان هم او را نفرین کرد؛ البته پیامبر (ص) تنها حکومت کسری را نفرین نمود و نه مردمش. کسری به حاکم یمن، نامه نوشت که این مدعی پیامبری را سراغ من بفرست و اگر باز هم خواست سرپیچی کند، سرش را برایم بفرست. در روایات آمده که جمعی از یمنی ها که سبیل بزرگی داشتند و ریش هایشان را تراشیده بودند به محضر رسول خدا (ص) شرفیاب شدند. آن حضرت درباره ظاهرشان پرسید، گفتند: خدای ما (یعنی کسری) چنین دستور داده است. رسول الله (ص) فرمودند: اما خدای ما فرموده که محاسن را بگذاریم و سبیل هایمان را بزنیم. حاکم یمن برخلاف کسری نامه ای مؤدبانه برای رسول الله (ص) فرستاد و نامه کسری را ضمیمه آن کرد و نوشت: خواهش می کنم بفرمایید جوابش را چه بدهم؟ اگر تمایل داشتید ما شما را با بهترین هیئت همراه و در نهایت احترام به سراغ او می بریم. رسول الله (ص) فرمودند: فردا پاسخ نامه را خواهم داد. فردا که برای جواب آمدند، رسول الله (ص) به ایشان فرمود: خداوند دیشب به من فرمود که دیروز شاه شما در فلان ساعت کشته شد! آنان متحیرانه جواب را برای حاکم یمن بردند.

پادشاه یمن شخص فهمیده ای بود و گفت: تحقیق می کنیم اگر راست گفته باشد او پیامبر است. وقتی فهمیدند پیامبر (ص) درست فرموده اند به ایشان ایمان آوردند. وقتی دیدند با کشته شدن کسری و شکست خوردن از رومی ها، حکومت او ضعیف شده، هیئتی دیگر

در زمان رسول
الله (ص) حکومت
یمن به شکل
ملوک الطوایفی
و به دست قبایل
بود. حکومت
مرکزی در اختیار
ایرانیان قرار
داشت.



زیدی‌ها مرجعیت دینی هم دارند. قبل از سید بدرالدین حوئی، سید مجدالدین مؤید مرجع بزرگ آنان بوده است. صعه در یمن مانند قم در ایران، شهر دینی آنان به شمار می‌آید. علت اولیه قیام حوئی‌ها آن است که هیچ‌گونه خدماتی به آنان ارائه نمی‌شود و وضعیت شهری آنان مانند قرون وسطی است.

از کجا آمده‌اند. سادات حدود چهار و نیم میلیون‌اند. در مطبوعات به وفور برای تخریب سادات، به آنان طعنه می‌زنند. مسئله سوم سلطه و هابی‌ها بر آنان و تعطیلی مدارس و مساجد زیدی‌هاست. معدود مدرسه و مسجدی که باقی‌مانده، امامت و مدیریت آنها با وهابی‌هاست. به این علت‌ها بود که قیام شد. اکنون حوئی‌ها به این حرکت به دیده جهاد نگاه می‌کنند.

سید بدرالدین، سمبل سادات یمن شده و به تازگی تفسیر قرآن را هم تمام کرده است. الآن هم رهبری با عبدالمالک حوئی است.

● آیا تفکر حوئی‌ها زیدی است یا به امامی‌ها گرایش دارند؟

○ اینان از زیدی‌های جارودی هستند. این دسته از زیدی‌ها برخلاف دسته دیگر، مانند ما ولایت و برات دارند. البته برخلاف دیدگاهشان غیر امام و نظام جمهوری را قبول کرده‌اند و می‌گویند: حاکم ظالم نمی‌خواهیم. در فقه آنان، امام باید از نسل حسنین(ع)، عالم و قیام کننده با شمشیر باشد. آنان به امامی‌ها نگاه مثبتی دارند و ما را دوست دارند. وقتی علی صالح به آنان اعتراض کرده بود که چرا بعضی از فرزندان شما امامی شده‌اند؟ گفته بودند: به نفع شماست. چون اگر زیدی می‌مانند

بسیاری از زیدیان را وهابی کرده‌اند. مثلاً دوست ما سید عصام العماد پدرش روحانی زیدی است، عمویش وهابی و مسئول انجمن‌های وهابیان یمن است. خواهرها و برادرهایش تعدادی امامی و تعدادی وهابی‌اند. ترکیب جمعیتی خانواده‌های یمن این‌گونه شده است.

زیدی‌ها مرجعیت دینی هم دارند. قبل از سید بدرالدین حوئی، سید مجدالدین مؤید مرجع بزرگ آنان بوده است. صعه در یمن مانند قم در ایران، شهر دینی آنان به شمار می‌آید. علت اولیه قیام حوئی‌ها آن است که هیچ‌گونه خدماتی به آنان ارائه نمی‌شود و وضعیت شهری آنان مانند قرون وسطی است. راه، برق و دیگر خدمات در مناطق زیدی‌ها در حد متروکه است. علی صالح کینه هاشمی‌ها را دارد و با اینکه خودش یمنی نیست و اجدادش یهودی و ملحق به قبیله احمرند، می‌گوید: معلوم نیست سادات

امام(ع) و اطاعتش واجب است. او شش ماه قبل از ظهور اطاعتش حتی بر فقها و مراجع واجب است: «إذا ظهر الیمانی وجب علی کل مؤمن طاعته، فمن التوی علیه فهو إلی النار لأنه يدعو إلی الحق و يدعو إلی صاحبکم؛ هنگامی که یمانی آشکار شود، اطاعت از او بر هر فرد مؤمنی واجب است، پس هر که از او سر باز زند، به سوی آتش (دوزخ) است، زیرا او (یمانی) به جانب حق و به جانب صاحبان [امام زمان(ع)] فرا می خواند».

این تأکید خیلی شدیدی است. ظاهراً همانند دوره غیبت صغری امام زمان(ع) اندکی پیش از ظهور برای جمع محدودی ظاهر می شود و میان عراق و حجاز برای رتق و فتق امور قیام، در تردد و آمد خواهد بود. حاکم علنی و نماینده رسمی و سخنگوی امام در این مقطع، یمانی است که با سپاهش برای فتح مکه اقدام می کند و پیروز می شود. تمام مسلمانان به این موضوع باور دارند؛ چه سنتی چه زیدی و چه امامی. در روایات معجزاتی برای یمانی شمرده شده و آمده است که همه از او تبعیت خواهند کرد.

حوثی ها ادعای یمانی بودن ندارند و بنابر روایات، پیش از ظهور یک کودتای نافرجام هم در یمن رخ می دهد. اگر زمانی کسی ادعای یمانی بودن داشت از او درخواست معجزه می کنیم. علاوه بر آن یمانی در صنعا پایتخت یمن قیام می کند، نه حومه یمن. این حرکت در یمن ممکن است به قیام یمانی متصل شود البته زمان آن را خدا می داند؛ شاید چند سال دیرتر.

سال ها پیش وقتی «عصر ظهور» را نوشتم، علی صالح از دستم عصبانی شد، چون در آنجا آمده آغاز این ماجراها از روستای کرعه است و این همان روستای حوثی است. یکی می گفت علی صالح کتاب مرا به علمای زیدی نشان می دهد که نقشه این ماجرا در این کشیده و نوشته شده است. سفیر یمن هم سراغم آمد و درباره آن با هم صحبت کردیم و گفتم به من چه ربطی دارد و روایت است که کودتای نافرجامی را یک چشم شکسته (کاسر عینه) در یمن خواهد داشت.

● با تشکر مجدد از شما.

به قیام اعتقاد داشتند و الآن در انتظار حضرت مهدی(ع) نشسته اند. بعضی از یمنی ها چون هر سه شرط بالا را در امام خمینی(ره) می دیدند، اطاعت از ایشان را واجب می دانستند و اکنون نظیر این اعتقاد را نسبت به مقام معظم رهبری دارند.

● حرکت شیعیان یمن چقدر از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته است؟

صد درصد تأثیر تفکر انقلابی ایران در لبنان، عراق و فلسطین و یمن که با دشمنان داخلی و خارجی درگیرند، نمایان است. خود یمنی ها شعارهایشان همسو با ایران و مرگ بر آمریکا و اسرائیل است. به همین بهانه است که حکومت یمنی ادعا می کند، ایران پشت این ماجراهاست.

● عربستان چه منافعی در این درگیری دارد؟

○ آنان می ترسند که این اتفاقات به داخل عربستان هم کشیده شود. چون این اتفاقات در مرز عربستان رخ می دهد. علاوه بر زیدی ها، هفتصد هزار تا یک میلیون امامی و اسماعیلی هم وجود دارد. در مرز عربستان با یمن هم حدود دو، سه میلیون اثنی عشری ساکن اند و دولت عربستان از هم صدایی اینها با حوثی ها می ترسد. عربستان به نمایندگان تمام این قبایل حقوق ماهیانه می دهد. حتی نماینده حزب الاصلاح که مخالف دولت صالح است، چند وقت پیش گفته بود دو هفته است اگر کمی دیگر تأخیر بشود و حقوقم را ندهند دست هایم می افتد (کنایه از اینکه مانند شیعیان نماز می خوانم!).

خیلی از اینهایی که ظاهر و هابی اند، اصلاً اعتقادی به این جریان ندارند و فقط به دنبال پول های عربستان هستند. عربستان هم می داند که سقوط علی صالح، مساوی با سقوط خودش است. عربستان اول علی صالح را برای سرکوبی حوثی ها تحریک کرد و حالا که نتوانسته اند، به کمک او آمده است. هر چند الآن عربستان هم عاجز شده است. دروغ های عربستان هم برملا شده و اخبار شکست ها آبروی آنان را برده است.

حوثی ها بنا بر اعتقادشان می جنگند و چیزی شبیه جوانان بسیجی ما هستند اما در مقابل ارتش بی خاصیت و فاقد انگیزه یمن و عربستان، کمی که جنگ جدی شد فرار می کنند.

● آیا جریان حوثی ها با یمانی معروف، نسبتی پیدا می کند؟

○ یمانی، قحطانی، منصور یمانی، وزیر امام زمان(ع) و ناصر الامام مهدی(ع) تعابیر مختلفی از یک شخصیت است که قطعاً خواهد آمد. روایات درباره او در منابع سنتی و شیعی آمده و یمنی ها به این شخصیت خیلی می بالند و درباره او خیلی سؤال می کنند. اما نکته مهم این است که او از یاران خاص

حوثی ها می گویند:
حاکم ظالم
نمی خواهیم. در فقه
آنان، امام باید از نسل
حسنین(ع)، عالم و
قیام کننده با شمشیر
باشد. آنان به امامی ها
نگاه مثبتی دارند

